



۲۰۱۷/۰۲/۰۷



م. عارف عباسی

## پابندی به حقایق تاریخی، یک وجیهه است

محترمه میرمن ملالی موسی نظام،

با عرض سلام، ادب و احترام، بدون اندک ترین سایه افگنی روابط دوستانه خواهرا نه و برادرانه و در یک صف پهلوی هم قرار گرفتن و همکار بودن در مسیر بیان واقعیت های حال و پارینه به حکم و فرمان ضمیر روشن و مسؤلیت سترگ ملی بدون هیچ نوع خوف، هراس و تشویش آزرده شدن دوست و خویشاوند، صادقانه می گویم که نوشته عالی شما تحت عنوان «تعهد امانت داری در بیان واقعیت های تاریخی - آیا می توان با قبول و ترویج اشتباهات علنی، تاریخ نگاری نمود؟» یک شهکار اندیشوی بوده که با محتوای بی نهایت پرمعنی و سودمند از قلم توانای شما تراوش کرده است.

من این پدیده پر محتوا را در دو بخش تصنیف نمودم:

اول- درس آموزنده و اندرز حکیمانه،

دوم - تحلیل مستند «غلط» بودن کامل منبع روایت شده و قضاوت نابخردانه راوی.

بخش اول به حدی جامع، مرتبط و مستدل مطرح گردیده که هیچ دانا و آگاهی آن را جانب داری از شخصی و یا اشخاصی تعبیر نمی تواند در حالی که منبع اصلی و راوی هر دو هدفی دیگر جز تبارز خصومت و بدبینی علیه مرحوم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نداشته ولی قصور عقل، منطق، فراست، درایت و جهالت علنی در بخش سیاست و تاریخ، مطلبی به حیث دستاویز مورد استفاده قرار گرفته که به بنیاد استدلال و استناد واقعی نهایت مبتذل، سخیف و مضحک است.

بحث شما در کل بر بنیاد اصول و پرنسیپ است که انتخاب منبع و مأخذ از خود چه ایجابات و چه مشخصات دارد. وظیفه و رسالت یک محقق، مؤرخ و راوی عادی در برگزیدن یک منبع و مأخذ چیست؟ عقل چه را گویند و قضاوت کدام است و دانش، فهم و آگاهی انتخاب کننده به چه پیمانه؟

نوشتن و قلم برداشتن و آن را وسیله اظهار نظر و ارائه معلومات به دیگران قرار دادن حق مسلم یک فرد است، ولی هر اقدامی را وجایی، اخلاقی و مقتضیاتی است. حتی این حق قلم بدست است که بنویسد من مخالف فلان زمامدار بوده خودم، پدرم و خانواده ام را نمی پسندم و خلص کلام بدون ارائه دلیل به اصطلاح عامیانه بگویند که از او «بدبور» استم ولی زمانی که پای استناد و استدلال در میان بود در این مرحله عقل، منطق، قضاوت سالم، و دانش بر احوال، حتماً مطرح می گردد.

مطالب نشر شده فیس بوک را یک سره نمی توان بیهوده و لاپایلات خواند در لای صدها جفنگ گویی و هرزه سرایی و تضاد های گوناگون، خبرگان و نخبگان هم مطالب بی نهایت آموزنده در فیس بوک می نویسند، و نویسند هم که گهی به ارتباط مسائل جهانی و وطن خود موضوعاتی را مطابق حوصله صفحه فیس بوک مطرح می نمایم که مورد علاقه قرار گرفته به مباحثه همگانی تبدیل شده نظریات مخالف و موافق ارائه می گردد. اما این که چه مطلبی را از فیس بوک و یا هر وسیله اطلاعات جمعی دیگر اقتباس کرد مربوط قضاوت صاحب قلم است که اگر خود صاحب عقل، فهم و دانش باشد فیصله نماید که آیا این مطلب واجد کلیه شرائط و مقتضیات یک مأخذ با اعتبار است و یا اینکه چون صرف همین کسی را که من با او خصومت دارم کوبیده شده، پس بدون هیچ گونه تعمق و اندیشه از جفنگیات هزیان گونه ای که مطالعه نمودیم، به حیث مأخذ استفاده گردد و در صورت اثبات غلط بودن آن محتویات، طشت رسوایی منبع و روایت کننده هر دو از بام بیفتند. یقین که عداوت و خصومت بعضی اشخاص را می توان به عقاید فلسفی مکتب سیاسی شان و یا موقوفی، مجازات، و مجرم بودن قبله گاه صاحب ارتباط داد.

محترمه خانم موسی نظام!

بخش دوم نوشته شما که خود یک تحقیق عالمانه و مستند و قناعت بخش است و بی نهایت مرتبط و مدلل تصنیف گردیده خود آفتاب گونه مبین واقعیت های سیاسی و تاریخی بوده من چیزی ندارم که بر آن بیفزایم. در پایان به خاطر این زحمت سودمند و آموزنده تان از صمیم قلب اظهار شکران و امتنان نموده، موفقیت های مزید شما خواهر فرهیخته را توأم با صحت و سعادت تان آرزو می نمایم.

پایان